



Jel Jelani Ritual of Tameh Natanz and its Comparison with Other Fire Theme Iran Rituals

Mohammad Mashhadi NooshAbadi *¹

Research background

Although no independent study has been published about the Jel Jelani ritual, three reports of this ritual have been written in books with more general topics. In the first volume of the book *Winter Festivals and Customs and Beliefs*, Abulqasem Anjovi Shirazi has presented a report on the observance of this ritual in the 1940s based on interviews with the participants. Hossein Azam Waqfi has described this ritual in the third volume of the book *Cultural Heritage of Natanz* and in the discussion of historical monuments and spiritual heritage of Tameh village. Majid Akbari, who is a resident of Tame and participated in holding this ceremony, has also presented a more or less similar description of it to the previous works in the book *History and Culture of the Social Life of the People of Tame Natanz*. All three articles are descriptive and lack religious and ritual analysis.

Objectives, questions, and assumptions

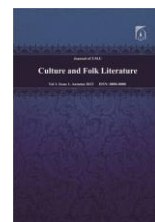
Knowing the unique and little-known folk rituals of the contemporary period of Iran and introducing the essence of its elements helps to better understand the Iranian culture and spiritual heritage, as well as the preservation of that religion. Jel Jelani is one of these rituals that is held in a mountain village. The main purpose of the article is to

Received: 16/08/2022

Accepted: 13/01/2023

* Corresponding Author's E-mail:
mmn5135@kashanu.ac.ir

¹ Associate Professor, Religions and Philosophy, Faculty of Literature and Foreign Languages, University of Kashan, Kashan, Iran
<https://orcid.org/0000-0002-8626-0019>



introduce, recognize, and compare this ritual with other similar ones. The research questions are; What ritual and mythological elements does the Jel Jelani ritual have? which religion and culture is this ritual rooted in? What are the similarities with other similar rituals in Iran?

Main discussion

According to the ancient tradition, in the evening of the 17th, 18th and 19th of January, several groups of the residents of Tame Natanz village set fire to one of the hills or high points of the village and go to the houses of the village in the dark when the crowd is ready, singing poems to the owners. The reader and the rest of the crowd respond to his call. The remoteness of the cold village in the Vulture mountain, the belief in the importance of rituals for fertility, preventing the trees from freezing, and the seriousness of the Tameh people in preserving the ancient heritage have maintained Iranian rituals in an authentic form. They have accepted its accessories for a thousand years.

Although the Jel Jelani ritual is similar to Sedeh, Hirumba, and Ramadani in many ways, it has an important difference with these three rituals. The focus of the tree is the tree, because the fire must be set to the tree. The logic of both actions is to prevent the tree from freezing and increase the yield. One of the noteworthy points of this ritual is held in the solar calendar and in January, because of the connection between the name of the month and its three days with the attribute of Ahura Mazda's Dadari as well as the motivation to fight against the cold.

Results

Jel Jelani is an Iranian ritual. In terms of its calendar and main elements, such as lighting fire, it has fundamental similarities with the Zoroastrian Hirumba and Sadeh fire rituals considering its effect on crops and roaming around the streets and houses, reciting blessing



Culture and Folk Literature

E-ISSN: 2423-7000

Vol. 10, No. 47

November - Desember 2022

Research Article



poems, and receiving blessing gifts. The comparison of Jel Jelani with the ritual of the half month of Ramadan shows that the path that the Ramadan ritual has taken from Iranian rituals to the Islamic rituals has not been followed and has not changed its nature. In other words, the Ramadan religion is a form of Jel Jalani and other Iranian fire rituals. This is why the other villages of Natanz where the Ramadan ritual is held do not have Jel Jelani, and on the contrary, there is no news of the Ramadan ritual in Tameh.

Considering the rituals in ancient Iran in December, Jel Jelani must be a survivor of one of these rituals, in terms of time and form of the celebration on the 16th night (Mehr Roz) of January, which is known as "Dramzinan" or "Kakthal". It is also closer to the ritual of setting fire to Repithvin on the 9th (Azer day) of January, which is mentioned in his book. With these words, it is necessary to take care of Jel Jelani as a unique Iranian ritual so that it is not forgotten and changed, because there are signs of the possibility of changing the basic elements of the ritual in the future, such as the fire set on top of the mountain, inside the fabric.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه

سال ۱۰، شماره ۴۷، آذر و دی ۱۴۰۱

مقاله پژوهشی

DOR: 20.1001.1.23454466.1401.10.47.2.3

آیین جل جلالی طامه نطنز و مقایسه آن با دیگر آیین‌های آتش بُن ایران

محمد مشهدی نوش آبادی^{۱*}

(دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۴ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۳)

چکیده

جل جلالی آیینی کهن با بن‌مایه‌های ایرانی است که در روستای کوهستانی طامه شهرستان نطنز برگزار می‌شود. بدین ترتیب که در سه شب منتهی به نوزدهم دی‌ماه، جوانان آبادی در شامگاهان آتشی می‌افروزند، آنگاه به در خانه‌ها می‌روند و با خواندن اشعاری برای اهل خانه آرزوی برکت و سلامتی می‌کنند، سپس صاحب‌خانه با رغبت و احترام هدایایی خوراکی از نوع میوه و خشکبار در سینی می‌نهد و به گروه می‌دهد، گروه آن را در خورجین الاغ خود می‌ریزد و سراغ خانه‌ای دیگر می‌رود، در پایان در مسجدی کوچک جمع می‌شوند و هدایا را بین خود تقسیم می‌کنند. این آیین کمی با گذشته تفاوت دارد، زیرا پیش‌تر بر گلوگاه درختان سنگ می‌گذاشتند و آتش را در بالای کوهی می‌افروختند تا نور آن به همه باغات برسد. داده‌های این پژوهش که به صورت میدانی و اسنادی گردآوری شده و از جهت دینی و آیینی مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج مقاله نشان می‌دهد آیین جل جلالی برگرفته از آیین‌های دی‌ماهی ایرانی است که شباهت‌های زیادی با جشن‌های سده و هیرومبا زرتشتی و آیین نیمه

۱. دانشیار گروه ادیان و فلسفه دانشگاه کاشان، کاشان، ایران (نویسنده مسئول)

*mmn5135@kashanu.ac.ir

<http://www.orcid.org/0000-0002-8626-0019>

ماه رمضان مسلمانی دارد، اما به عکس آیین نیمه ماه رمضان بن‌مایه و اصالت ایرانی خود را تا حدود زیادی حفظ کرده و متناسب با حواجج روستاییان باغ‌دار که با مشکل سرمای کوهستان و یخ‌زدگی درختان مواجه هستند، به حیات خود ادامه داده است.

واژه‌های کلیدی: آیین‌های آتش‌بن ایرانی، آیین‌های زمستان، آیین جل جلالی، آیین

رمضانی، روستای طامه نطنز، حاصلخیزی و باروری، ریشون.

۱. مقدمه

روستای طامه در دهستان کرکس بخش مرکزی شهرستان نطنز در استان اصفهان در فاصله ۶ کیلومتری جنوب شهر نطنز و در دامنه کوه کرکس قرار دارد. براساس سرشماری سال ۱۳۹۵ طامه دارای ۱۸۳ خانوار و ۴۵۴ نفر جمعیت بوده است (درگاه ملی آمار)، اما در ایام تابستان جمعیتش به حدود ۱۰۰۰ نفر هم می‌رسد، بیشتر ساکنان فصلی آن در تهران و شهرهای اطراف سکونت دارند. شغل اصلی ساکنان روستا دام‌پروری، باغداری و کشاورزی و عمده محصول آن‌ها سردرختی است، از این میان گلابی طامه شهرت دارد و محصول راهبردی روستا محسوب می‌شود، در واقع عمده محصول گلابی منطقه که به تحفه نطنز مثل شده، از آنجاست. اهالی روستا مسلمان و شیعه دوازده‌امامی هستند و آیین‌های شیعی به‌ویژه محرم را با قوت برگزار می‌کنند.

با آسفالت شدن راه روستا و سهولت تردد بر رونق این مکان افزوده شده و بسیاری از طامه‌ای‌ها که در شهرهای دیگر سکونت دارند در این آبادی برای خود خانه‌های امروزی ساخته‌اند. این امر گرچه موجب رونق روستا شده، اما بافت و ساختار تاریخی آن را تا حدود زیادی خدشه‌دار کرده است و علی‌رغم این‌که بخشی از بافت قدیمی متروکه و رو به ویرانی است، برخی از بافت و خانه‌های قدیمی حفظ شده و حال و هوای سنتی روستا حس می‌شود. برخی از خانه‌های قدیمی روستا که از دوره قاجاری و پهلوی است مرمت‌شده و یکی از آن‌ها که قاجاری است تبدیل به اقامتگاه بوم‌گردی

آیین جل جلالی طامه نطنز و مقایسه آن با دیگر آیین‌های آتش‌بُن ایران _____ محمد مشهدی نوش آبادی
شده است. از آثار قدیم آنجا زیارتگاه‌های حافظ و فاضل است که بازمانده‌ای از دوره صفوی است و در قبرستان جنب زیارتگاه حافظ چند سنگ قبر صفوی و قاجاری قرار دارد (مشاهدات نگارنده).

برگزاری آیین‌های باستانی از ویژگی‌های مردم این آبادی است، از جمله اهالی روایات و اسنادی از برگزاری آیین کهن شاه‌بازی در چهارم فروردین دارند که در بردارنده آیین‌های برکت‌بخشی و باران‌خواهی بوده و آخرین بار در فرودین ۱۳۴۱ انجام شده است (اکبری، ۱۳۹۶، صص. ۱۳۱-۱۳۵)، اما آیین باستانی که امروزه به مدت سه شب در طامه برگزار می‌شود، آیین جل جلالی است که بن‌مایه ایرانی، برگزاری به تقویم خورشیدی و خالی بودن از هر رنگ اسلامی، آن را آیینی منحصر به فرد ساخته است.

۲. ادبیات تحقیق

گرچه درباره آیین جل جلالی نوشته مستقلی منتشر نشده، اما در کتاب‌هایی با موضوعات کلی‌تر سه گزارش از این آیین مکتوب شده است. ابوالقاسم انجوی شیرازی در جلد اول کتاب جشن‌ها و آداب و معتقدات زمستانی براساس مصاحبه با شرکت‌کنندگان گزارشی از برگزاری این آیین در دهه ۱۳۴۰ ارائه کرده است (انجوی شیرازی، ۱۳۷۹، ج. ۱/ صص. ۸۹-۹۴). حسین اعظم واقفی در جلد سوم کتاب میراث فرهنگی نطنز و در بحث از آثار تاریخی و میراث معنوی روستای طامه این آیین را توصیف کرده است (اعظم واقفی، ۱۳۸۴، صص. ۳۳۶-۳۳۸). مجید اکبری نیز که خود از اهالی طامه است و در برگزاری این آیین مشارکت داشته نیز در کتاب تاریخ و فرهنگ زندگی اجتماعی مردم طامه نطنز توصیفی کم‌ویش مشابه با آثار پیشین از آن ارائه کرده است (اکبری، ۱۳۹۶، صص. ۱۴۴، ۱۴۵). هر سه مطلب جنبه گزارشی داشته

و فاقد تحلیل دینی و آیینی است، اما در این مقاله سعی شده جل جلالی تحلیل و با دیگر آیین‌های مشابه در ایران مقایسه شود. بدین منظور نگارنده خود در برگزاری این آیین مشارکت داشته و ضمن گفت‌وگو با مردم آبادی، آن را از نزدیک مورد دقت قرار داده است.^۱

۳. آیین جل جلالی در گزارش‌های مکتوب

بر پایه سنتی باستانی در شامگاه روزهای هفدهم، هجدهم و نوزدهم دی ماه چند گروه از اهالی محلات روستای طامه شامل مردان نوجوان و جوان و میان‌سال در غروب آفتاب آتشی بر یکی از تپه‌ها و یا نقاط بلند آبادی می‌افروزند و با تاریکی هوا که جمعیت فراهم شد به سوی خانه‌های آبادی می‌روند. سردسته اشعاری را خطاب به صاحب‌خانه می‌خوانند و بقیه جمعیت ندای وی را پاسخ می‌گویند.

مجید اکبری که خود از برگزارکنندگان این آیین بوده و حسین اعظم واقفی پژوهشگر محلی گزارشی از جل جلالی ارائه کرده و آن را بسیار قدیمی خوانده‌اند. بر پایه گزارش این دو هرساله جوانان و نوجوانان روستا غروب روزهای هفدهم، هجدهم و نوزدهم دی ماه دورهم جمع می‌شدند و تعدادی از آن‌ها در دامنه کوه‌های مشرف به روستا و باغات و مزارع آتش‌افروزی می‌کردند. بزرگ‌ترها بنا بر عقیده‌ای کهن گوشزد می‌کردند آتش باید چنان باشد که نور آن به باغات آبادی بتابد (اعظم واقفی، ۱۳۸۴، ص. ۳۳۶؛ اکبری، ۱۳۹۶، ص. ۱۴۴).

بنا بر گزارش انجوی شیرازی آتش باید سراسر آبادی را روشن کند، زیرا شگون دارد و تابش آن بر درختان موجب از بین رفتن آفت و ازدیاد میوه می‌شود. از این رو از چند روز پیش، بوته و هیزم و خار جمع می‌کنند تا شعله‌های آتش سر به آسمان بکشد (انجوی شیرازی، ۱۳۷۹، ج. ۱، ص. ۹۰، ۸۹).

آیین جل جلالی طامه نطنز و مقایسه آن با دیگر آیین‌های آتش بُن ایران _____ محمد مشهدی نوش آبادی

تعدادی از مردم هم در اوج سرما و برف، به زمین و باغات خود سرکشی می‌کردند و سنگی را روی (گُلُر) گلوگاه درختان می‌گذاشتند و معتقد بودند که این کار باردهی درخت را زیاد می‌کند. بنابر روایت انجوی شیرازی برای این‌که درختان بار و میوه بیشتری بدهند سنگ‌های کوچک و بزرگ را از محوطه گورستان می‌آورند و به شاخه‌های درخت می‌آویزند (همان، ص. ۸۹).

سنگ آوردن از گورستان آبادی را اکبری نیز تأکید می‌کند، همچنین وی نقل می‌کند در قدیم آتش بر سر کوه «نردوئیگه» که مشرف بر روستاست روشن می‌شده است. حتی اسم این کوه برآمده از همین سنت است، زیرا «نر» در گویش محلی به معنای دماغه کوه و «دوئیگه» به معنای دودگاه است؛ یعنی دماغه‌ای که از آن دود آتش برمی‌خیزد. پس معلوم می‌شود که از قدیم محل آتش اصلی این کوه بوده، اما گاهی آتش در محله‌های دیگری نیز روشن می‌شده است (اکبری، ۱۴۰۱).

پس از آتش‌افروزی و با گسترش تاریکی، جوانان و نوجوانان از کوه سرازیر شده و به‌صورت دسته‌جمعی در کوچه‌های روستا به حرکت درمی‌آمدند و استاد یا سرخوان گروه در مقابل هر خانه‌ای شعر مخصوص جل جلالی را می‌خواند و پس از هر بند، گروه با نهیب «هاو» پاسخ می‌دادند:

آهوی جل جلالی / حلوای تن‌تنانی / حلوای چرب و شیرین / بذار تو ظرف چینی /
ببر خدمت بی‌بی / بی‌بی و بی‌بی زاده / اسپش نره یا ماده / حاجی بوشو به مکه / با
چل و چهار اُشتر / هر اشتری به حلقه / هر حلقه‌ای به دینار / هر دیناری صد دینار /
باد اومد بازی کنیم / دل خود راضی کنیم / رفتم دم دکان زرگری / دیدم دوتا حور و
پری / بر سرشان چادر زری / گیسوها تا بند پا / گیسوها شانه می‌خواد / شانه فیروزه
می‌خواد / حمام هر (سی) روزه می‌خواد / خری دارم دیزه^۲ / چوبی دارم دو صد من /
بارش هست ده کندوله^۳ / هر چی بزمن نمیره / تنباکو رو گل نم کن / آتش به سرش

کم کن / تا ما بکشیم دودی / روانه شویم زودی / بلبلیک نشسته بر شاخ چنار / قرص
مرا تکه نکن پاره نکن درست بیار.

سپس صاحب‌خانه را خطاب می‌کنند: «آقا / ... (نام صاحب‌خانه) شما مید / از باغ گل
درآید / قبا بپوشید نچایید / (ارخالق ختایی / بپوش بیا نچایی) وردارید و بیارید».^۴

سپس همه گروه یک‌صدا می‌خوانند: «موج سیاه و گردکون آرگی بوره پی امرکم».^۵
پس از اتمام سرود، صاحب‌خانه با توجه به استطاعت و کرم خود مقداری آجیل
محلی، قند و یا تحفه دیگر در سینی مسی می‌گذاشت و برای آنها می‌آورد. فردی که
به نام انباردار تعیین شده بود آن را تحویل می‌گرفت و در توبره یا خورجین الاغ
می‌ریخت. گاهی استقبال مردم و حضور جمعیت چنان بود که چند الاغ برای حمل
میوه و خشک بار لازم بود. صاحب‌خانه در مواقع تحویل هدیه، مقدار کمی از
آجیل‌های درون توبره را به‌عنوان تبرک از آنها می‌گرفت که به آن «چم چیده»^۶
می‌گفته‌اند. اگر تازه‌دامادی در بین جوانان بوده با شربت یا چای از وی پذیرایی می‌شد.
انجوی شیرازی که صورت قدیم‌تر این اشعار را گزارش می‌کند بر آن است که اگر
صاحب‌خانه خساست به خرج می‌داد و چیزی نمی‌آورد، گروه با اشعاری وی را هجو
می‌کردند.^۷

این مراسم تا نیمه‌های شب ادامه داشت و سپس گروه در حسینیه یا مسجد و اگر
هوا سرد بود در سر حمام (رختکن) جمع می‌شدند و هدایا را بین خود تقسیم
می‌کردند و اگر زیاد بود می‌فروختند (اکبری، ۱۳۹۶، صص. ۱۴۴ و ۱۴۵؛ اعظم واقفی،
۱۳۸۴، صص. ۳۳۶ - ۳۳۸). اکبری بر آن است که اشعار جل‌جلانی در گذشته کاملاً با
گویش طامه‌ای اجرا می‌شد. همچنان که این مراسم در گذر ایام با تغییراتی همراه بوده
است (اکبری، ۱۳۹۶، ص. ۱۴۵). این مراسم در تاریخ ۱۳۹۵/۳/۲۵ با شماره ۱۲۰۱ در

آیین جلِ جِلانی طامه نطنز و مقایسه آن با دیگر آیین‌های آتش بُن ایران _____ محمد مشهدی نوش آبادی

فهرست میراث معنوی ایران به ثبت رسیده است. بنابر گزارش انجوی شیرازی این آیین در برخی دیگر از روستاهای نطنز مانند چیمه و بیدهند با تفاوت‌هایی برگزار می‌شده است. این مراسم در چیمه نطنز این مراسم «آهوی» نام داشته و در شب هجدهم دی و توسط حمامی‌های آبادی انجام می‌شده است. در بیدهند این مراسم «جی جی لونی» نام داشت و در شب چله کوچک انجام می‌شد (انجوی شیرازی، ۱۳۷۹، ج. ۱، صص. ۹۲، ۹۳).

۴. گزارشی از برگزاری آیین در سال اخیر

شامگاه هجدهم دی ماه هزار و چهارصد پس از افروختن آتش در نقطه‌ای از روستا، گروه جل جِلانی شامل حدود بیست نفر از مردان که چند زن جوان نیز آن‌ها را همراهی می‌کردند حرکت خود به سوی منازل را آغاز کردند. برخلاف گذشته، مردان میان سال و حتی زنان و دختران نیز در مراسم حضور دارند. نوجوانی نیز بر الاغ سوار است و جوانی افسار الاغ را در دست دارد. برخی نیز هدایا را از صاحب‌خانه می‌گیرند و به داخل خورجین الاغ می‌ریزند. با توجه به این‌که خانه‌ها زیاد است و وزن هدایا سنگین، آوردن الاغ برای حمل بار ضروری است، سرمای هوا و شیب مسیرها نیز بر سختی کار می‌افزاید. عده‌ای نیز مشغول گرفتن فیلم و عکس هستند و برخی از آن‌ها به صورت زنده مراسم را در پیج اینستاگرامی خود پخش می‌کنند. در واقع گسترش وسایل ارتباط جمعی و فضای مجازی و آگاهی عمومی اهالی باعث شده در سال‌های اخیر بر رونق مراسم و جدیت در برگزاری آن افزوده شده است. در این سه شب، گروه به همه صاحب‌خانه‌ها سر می‌زنند. برخی از اهالی که معمولاً زمستان در روستا سکونت ندارند نیز، سعی می‌کنند این شب‌ها در خانه حاضر باشند.

در مقابل هر منزل پس از خبر دادن به صاحب‌خانه، سرخوان اشعار را می‌خواند و بقیه افراد ضمن پاسخ، بخش پایانی اشعار را با وی همخوانی می‌کنند. به دلیل این‌که خواندن مکرر اشعار با صدای بلند باعث خستگی حنجره نشود چند نفر به نوبت سرخوانی می‌کنند. پس از پایان یافتن اشعار صاحب‌خانه به فراخور وضعیت و استطاعت مالی خود محصولات خشکبار شامل گردو، بادام، انجیر، برگه‌های هلو، زردآلو و جوزقند و شیرینی به همراه میوه‌های گلابی، انار، سیب و پرتقال را که معمولاً در سینی گرد مسی می‌گذارند به گروه می‌دهند. برخی از خانواده‌ها به صورت مفصل و با یک یا دو سینی پر از خشکبار و میوه از گروه پذیرایی می‌کنند و برخی پذیرایی مختصری دارند. گروه پس از چند ساعت پرسه‌زنی در مسجدی کوچک گرد می‌آیند و هر آنچه به دست آمده را در سفره‌ای می‌ریزند و بین حاضران تقسیم می‌کنند. این آیین با خواندن دعا و گرفتن عکس یادگاری به پایان می‌رسد.

۵. وجه تسمیه و ریشه لغوی جل جلالی

معنا و ریشه لغوی جل جلالی (jel-jelani) به درستی مشخص نیست و جز در یک منبع، در جای دیگر گمانی درباره وجه تسمیه آن مطرح نشده است، اما در جست‌وجوی این واژه ابتدا «جل جلان» در نظر می‌آید که به طور کلی شامل گشنیز و کنجد و دانه آن‌هاست، برخی آن را دانه انجیر نیز معنا کرده‌اند، گرچه جل جلان شامل دانه هر گیاهی نیز می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۷؛ معین، ۱۳۸۸؛ عمید، ۱۳۶۰، ذیل واژه). حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا می‌تواند بین دهش دانه‌های خشکبار به گروه جل جلالی با این نام ارتباطی وجود داشته باشد؟

همچنین ممکن است جل جلالی به اعتبار تشبیه صدای نوجوانان به صدای چلچله (پرستو)، اسم صوت برگرفته از نام چلچله باشد، از آنجایی که نام آیینی مشابه (رمضانی)

آیین جلِ جَلانی طامه نطنز و مقایسه آن با دیگر آیین‌های آتش بُن ایران _____ محمد مشهدی نوش آبادی

در روستای بَرز نطنز در نزدیکی طامه «جیرجیرونه» نام دارد (اعظم واقفی، ۱۳۸۵، ج. ۴ / ص. ۳۵، ۳۶) که گویا به دلیل تشبیه صدای کودکان گروه به جیرجیرک است. این فرض با دیدگاه انجوی شیرازی نیز که جل جَلانی را اسم صوت می‌داند شباهت دارد. وی در این باره می‌نویسد: «جل جَلانی اسم صوت است مانند شُرشر که صدای باریدن باران است اما به تندی و سرعت، چنان‌که گویند: "بارون داره جل جل میاد"، یعنی باران دارد سریع و تند می‌آید» (انجوی شیرازی، ۱۳۷۹، ج. ۱ / ص. ۹۰). با این اوصاف درباره وجه تسمیه جل جَلانی نمی‌شود با قطعیت سخن گفت.

۶. آیین‌های مشابه جل جَلانی

۱-۶. جشن سده

سده از جشن‌های کهن ایرانی است که در دوره معاصر نیز توسط زرتشتیان کرمان (روح‌الامینی، ۱۳۸۳، صص. ۱۳۲-۱۳۹) برگزار می‌شود. این جشن در نیمه نخست سده چهاردهم هجری خورشیدی در بسیاری از آبادی‌های مسلمان‌نشین خراسان رضوی (میرنیا، ۱۳۷۸، ص. ۱۷)^۸ و شهرهای شبستر، اصفهان، خور و جندق برگزار می‌شده است (پورداوود و همکاران، ۱۳۲۴، ص. ۳۲، ۳۳). امروزه نیز جشن سده در روستای اصفاک شهرستان بشرویه خراسان جنوبی برگزار می‌شود (سقایی، ۱۴۰۲). قدیم‌ترین مأخذ در اشاره به جشن سده، آثار ابوریحان بیرونی است. جشنی که روز دهم بهمن - آبان روز - انجام می‌شده است (بیرونی، ۱۳۸۹، ص. ۳۵۰، ۳۵۱). وی همچنین به برخی رسوم معمول در جشن سده اشاره دارد: «در آبان روز است از بهمن‌ماه و آن روز دهم بود و اندر شبش که میان‌روز دهم است و میان‌روز یازدهم آتش‌ها زنند بگوز [جوز] و بادام و گرد برگرد آن شراب خورند و لهو شادی کنند» (همان، ۱۳۵۳، ص. ۲۵۷).

درباره چرایی برگزاری سده مهرداد بهار بر آن است این جشن که چهل روز بعد از یلدا برگزار می‌شود در واقع جشن چهلم تولد خورشید است که دهم دی هم به منزله دهمین روز تولد آتش‌افروزی می‌شود (بهار، ۱۳۷۶، صص. ۲۳۹ - ۲۴۱). مری بویس جشن سده را جشنی متعلق به زرتشتی متقدم و در پیوند با ایزد ریشوین می‌داند (بویس، ۱۳۹۳، ص. ۳۰). ریشوین (ریشوین، ریهوین) جایگاه مهمی در دین زرتشتی دارد و کارکرد وی در ارتباط با نیروی گرمابخش خورشید نیز هست، وی «ایزد موکل بر زمان آرمانی» یعنی گاه نیم‌ورزی است. پیش از گاه ریشوین، صبحگاه و پس از آن عصرگاه، شامگاه و نیمه‌شب است، اما اول آبان ماه با پایان تابستان زرتشتی که زمستان زور می‌گیرد، ریشوین به جهان زیرین می‌رود و گاه نیمروز از اوقات شبانه‌روز حذف و روز چهارگاه می‌شود و به زیرزمین می‌رود و گرما را به چشمه‌ها می‌فرستد تا ریشه درختان را گرم کند (فرنیغ دادگی، ۱۳۷۸، ص. ۱۰۶). از دیرباز جشن سده در کرمان برگزار می‌شده است (پورداوود و همکاران، ۱۳۲۴، ص. ۳۱). امروز جشن سده در کرمان روز دهم بهمن هنگام غروب با آتش زدن انبوهی از هیزم توسط دو موبد انجام می‌شود، اما بیشتر جمعیت را مسلمان تشکیل می‌دهند که در کنار زرتشتیان که گاهی به صورت خانوادگی با کیسه‌ای از آجیل شامل تخمه، پسته، مغز بادام، فندق و... شرکت می‌کنند (روح‌الامینی، ۱۳۸۳، صص. ۱۳۲-۱۳۹). برای بینوایان در این روز آش ماش تهیه می‌شود (پورداوود و همکاران، ۱۳۲۴، ص. ۱۸). اشعاری که در مراسم سده منطقه خراسان برگزار می‌شده به محصول غله، گله، خانواده و ازدواج دختران اشاره دارد (میرنیا، ۱۳۷۸، ص. ۱۷). در جشن سده خور بیابانک نیز می‌خواندند: «پنج و پنج به نوری، سد به غله»، یعنی پنجاه و پنج روزه نوروز و صد روز تا آمدن غله است (پورداوود و همکاران، ۱۳۲۴، ص. ۳۵).

۶-۲. جشن هیرومبا

از گذشته‌هایی دور در میان زرتشتیان شریف‌آباد، جشن سه‌روزه مفصل و کهنی به نام «هیرومبا» از ۲۴ تا ۲۶ فروردین برگزار می‌شود که شامل جمع‌آوری هیزم، آتش‌افروزی، خواندن اشعار از سوی کودکان و نوجوانان بر در خانه‌های اهالی و دریافت هدیه خوراکی است. اهالی مزرعه کلانتر نیز پیش‌تر این مراسم را انجام می‌داده‌اند، این مراسم را با اندکی تفاوت در روستاهای اله‌آباد و نرسی‌آباد با نام «هییدوگ» و در روستای خرمشاه با نام «شاخ شاخ ڈرون (ڈربند)» برگزار می‌کرده‌اند (نیکنام، ۱۳۸۲، ص. ۱۰۹). باری در شریف‌آباد در پسین روز آرد (بیست و پنجم) از ماه فروردین ماه عده‌ای از زرتشتیان از جمله تازه‌دامادها از روز قبل برای جمع‌آوری هیزم به بیابان‌های اطراف پیر هریشت می‌روند و نوجوانانی که به پیر هریشت نرفته بودند، به خانه اهالی شریف‌آباد می‌روند و با خواندن این شعر برای برافروختن آتش هیرومبا تقاضای چوب می‌کنند: «شاخ، شاخ هرمنی [=درمنه]»^۹ (۲) / هر که شاخی بدهد / خدا مرادش بدهد».

سپس در محل آتش هیرومبا هیزم‌ها را گرد می‌آورند و در هنگام غروب طی مراسمی که به وسیله موبد اجرا و زرتشتیان آن را همراهی می‌کنند، هیزم‌ها را آتش می‌زنند (بویس، ۱۳۹۳، صص. ۲۹، ۳۰؛ نیکنام، ۱۳۸۲، صص. ۱۰۴ - ۱۰۹). از فردای آتش‌افروزی به مدت سه روز جشن است. بعد از غروب آفتاب جوانان به در همه خانه‌های اهالی شریف‌آباد می‌روند. یکی از آن‌ها نام درگذشتگان آن خانه را می‌گوید و بقیه هیرومبا می‌گویند. سپس برای صاحب‌خانه اشعاری دعاگونه خوانده می‌شود که به گویش امروزی به‌دینی است:

«مسیر، مسیر واز بُو/ اسب تازی کمر زرین بُو/ گنم انبار شما جی و ماجی / گنم و

گمه، روزن و جو».^{۱۰}

آنگاه کدبانوی خانه بشقابی از آجیل شامل نخودچی و کشمش، پسته، مغز بادام و مانند آن را در چادرشبی - که یکی از افراد به کمر بسته - می‌ریزد و گروه راهی خانه‌ای دیگر می‌شود. پس از این بیشتر مردم به خانه جوانان تازه‌داماد می‌روند و خانواده جوان به همه شربت می‌دهد. بعدازظهر روز سوم، آجیل‌ها بین گروه تقسیم می‌شود. در غروب روز سوم دوباره زرتشتیان به کنار نیایشگاه می‌روند و به همان ترتیب سه شب قبل، نام درگذشتگان را می‌خوانند و هیرومبا می‌گویند.

بنابر نظر محققان، هر دو جشن هیرومبا و جشن سده، در واقع یک جشن است که یکی در کرمان و دیگری در یزد برگزار می‌شود (بویس، ۱۳۹۳، ص. ۲۹؛ رضی، ۱۳۸۰، ص. ۶۸۴؛ مزدپور، ۱۳۸۳، ص. ۱۷۱). جشن هیرومبا در اصل جشنی زمستانه بوده که تاریخ اصلی برگزاری آن روز اشتاد از ماه آذر قدیم بوده است. بویس بر آن است که روز اشتاد از ماه آذر، اگرچه خود مشخصاً مختص به آتش نیست، اما دقیقاً صدمین روز پیش از روز اورمزد از ماه فروردین و بازگشت ریثوین است. بنابراین، محتمل است که دست‌کم تا اوایل دوره اسلامی و به احتمال زیاد از گذشته‌های دورتر، دو جشن «سده» وجود داشته است که یکی در ماه آذر و صد روز پیش از برآمدن ریثوین برپای می‌شده است و دیگری در ماه بهمن و ۱۰۰ روز پس از رفتن ریثوین به زیر زمین. بویس برافروختن آتش در فضای باز و خارج از آتشکده و در تاریکی شب را که در سده و هیرومبا انجام می‌شود، در پیوند با خویش‌کاری مهر در مقام خدای خورشید و برای پشتیبانی وی در نبرد بر ضد سرمای زمستان و تاریکی می‌داند (بویس، ۱۳۹۳، ص. ۳۰؛ مزدپور، ۱۳۸۳، ص. ۱۷۱).

در ارتباط با ریثوین و آغاز زمستان جشن آتش‌افروزی فراموش‌شده‌ای نیز هست که علی‌رغم دو جشن پیشین، در متون زرتشتی بر انجام آن در آذر روز از دی‌ماه، تأکید

آیین جل جلالی طامه نطنز و مقایسه آن با دیگر آیین‌های آتش بُن ایران _____ محمد مشهدی نوش آبادی
شده و از قضا با تاریخ برگزاری جل جلالی نیز کم‌وبیش همخوانی دارد که به آن
خواهیم پرداخت.

۳-۶. آیین‌های نیمه ماه رمضان در ایران

در بسیاری از شهرها و آبادی‌های ایران در نیمه ماه رمضان صورت‌های آیینی یکسانی
مشاهده می‌شود که شبیه آیین جل جلالی است و براساس آن کودکان به در خانه اهالی
می‌روند و با خواندن اشعار عامیانه، پول یا هدیه‌ای خوراکی تقاضا می‌کنند و
صاحب‌خانه نیز آن‌ها را با دادن هدیه روانه خانه‌های دیگر می‌کند. معمول‌ترین نام برای
این آیین در منطقه کاشان «هوم‌بابا» و در شهر نوش‌آباد «هوربابا» است، اما در شهرها و
مناطق دیگر ایران با نام‌های متنوعی مواجه می‌شویم؛ از جمله «گرگیغان» در استان
خوزستان، «گری‌گشو» در استان بوشهر، «الله‌مضونی» در یزد، «آلم ترانی» در ساوه،
«رموضونیکه» در سیستان، «یا رمضان» در بین ترکمنان استان گلستان، «رمضانی» در
بیرجند و «جیرجیرونه» در روستای بَرز نطنز. آیین‌های نیمه ماه رمضان مسلمانی با آیین
هیرومبای زرتشتی مشابهت فراوان دارد (نک؛ مشهدی نوش‌آبادی، ۱۳۹۸، صص. ۱-۱۰؛
وکیلان، ۱۳۷۰، صص. ۲۱۰ - ۲۱۶). برخی نیز برای همه آیین‌های نیمه رمضان، عنوان
کلی «رمضانی» را به‌کار برده‌اند (نک؛ جعفری، ۱۳۹۸، ذیل واژه).

آیین‌هایی نیمه ماه رمضان به دلیل سهل‌گیری و عدم جدیت در برگزاری آیین‌های
آتش، به سرنوشت دیگری غیر از سرنوشت جل جلالی دچار شده‌اند. اولین تغییر در
تقویم برگزاری است که از تقویم خورشیدی به تقویم قمری و مناسبتی اسلامی منتقل
شده و دوم کم شدن اهمیت این آیین و عدم اهتمام بزرگسالان به برگزاری آن است.
درواقع شرکت‌کنندگان نیمه ماه رمضان در بیشتر مناطق ایران را کودکان و خردسالان
انجام می‌دهند و شرکت در آن برای رده‌های بالاتر سنی عار تلقی می‌شود، حتی برای

میزبانان نیز این مراسم چندان اهمیت نداشته و صرفاً با دادن وجه نقدی ناچیز کودکان را راهی می‌کنند، بی‌آن‌که عموماً منتظر یا مترصد آمدن گروه کودکان و پذیرایی از آنان باشند.

این بی‌توجهی باعث شده تا این آیین طی نیم‌قرن در بسیاری از مناطق ایران به فراموشی سپرده شود و برگزار نشود، این در حالی است که جل جلالی در شب سرد زمستانی کوهستان پایدار مانده است و خانواده‌ها عموماً عزم جزمی برای برگزاری دارند و خواهش دارند تا برگزارکنندگان حتماً به در خانه‌هایشان بیایند. اکثر جمعیت گروه جل جلالی را نیز بزرگسالان تشکیل می‌دهند و با جدیت از کوچک‌ترین تغییر محتوایی و غیر ایرانی شدن این آیین اجتناب می‌کنند. با این اوصاف هنوز آیین نیمه‌رمضان با جل جلالی، سده و هیرومبا وجوه مشترکی دارند.

۷. تقویم برگزاری جل جلالی

آیین جل جلالی در دی‌ماه برگزار می‌شود که به لحاظ تقویمی بین آیین هیرومبا که زمان آن در اصل (اشتاد روز) بیست و ششم آذر و آیین سده که زمان آن (آبان روز) دهم بهمن است، قرار دارد. در تقویم زرتشتی، دی‌ماه اهورامزداست یکی از ماه‌های پر آیین است. در واقع «دی» مخفف صفت «دادار» و آفرینندگی اهورامزداست (بویس، ۱۳۸۹، ص. ۹۹)، بنابر گزارش بیرونی در ایران باستان روز اول دی که روز اهورامزد و فردای شب یلداست، به خرم روز شهرت داشته و در آن پادشاه در ملاقاتی عمومی با مردم عادی معاشر و هم‌سفره بوده است (بیرونی، ۱۳۸۹، صص. ۳۴۵، ۳۴۶). به‌غیر از تقارن نام ماه دی که صفت اهورامزداست با روز اول ماه (روز اورمزد)، در سه روز دیگر ماه زرتشتی به نام‌های دی به آذر (هشتم)، دی به مهر (پانزدهم) و دی به دین (بیست و سوم ماه) که نام ماه و روز برابر شده است سه جشن دیگر برگزار می‌شود (همان، ص.

آیین جل جلالی طامه نطنز و مقایسه آن با دیگر آیین‌های آتش‌بُن ایران _____ محمد مشهدی نوش آبادی

(۳۴۵). امروز نیز در برخی از شهرها و روستاهای زرتشتی‌نشین یکی از روزهای دی و یا هر سه روز را همانند دیگر جشن‌های ماهیانه به محل‌های عمومی مانند آتشکده‌ها گردآمده و جشن دیگان را با سرور برگزار می‌کنند (نیکنام، ۱۳۸۲، صص. ۹۱، ۹۲).

بر پایه گزارش بیرونی یازدهم تا پانزدهم خور روز تا دی به مهر که پنج روز است، خداوند آسمان را آفرید. روز چهاردهم روز گوش یا سیر سور است که ایرانیان سیر و سبزی می‌خورند با گوشت‌هایی که استعاذه شیطان بر آن خوانده شده است، در روز پانزدهم (دی به مهر) از خمیر یا گل آدمک ساخته و در دالان خانه می‌گذاشته‌اند، اما این سنت در زمان وی انجام نمی‌شده است (بیرونی، ۱۳۸۹، ص. ۳۴۵). در این ماه همچنین گاهنبار میان زمستان (میدیاریم) از روز مهر تا روز وره‌رام به مدت پنج روز برگزار می‌شود. میدیاریم به معنای میانه آرامش در زمانی برگزار می‌شود که هنگام آرامش و استراحت کشاورزان و دامداران است، از طرفی در باور زرتشتیان این گاهنبار، هنگام آفریده شدن جانوران بر روی زمین است (بیرونی، ۱۳۸۲، ص. ۹۲).

طرفه آن‌که در بندهش به برگزاری جشنی آتش‌بُن در روز آذر (نهم) از ماه دی اشاره شده که به مناسبت آغاز زمستان و افول گرما و رفتن ریشیون به جهان زیرین انجام می‌شده است:

بدین روی، ماه دی، روز آذر، همه‌جا آتش‌افروزد و نشان کنند که زمستان آمد.
بدان پنج ماه (که) آب چشمه همه گرم است، زیرا ریشیون آنجا را (به) گرمی و خویدی دارد. گاه ریشیون را نستانند. چون ماه فروردین، روز هرمزد شود، زمستان را نیرو و پادشائی کاهد، تابستان از بُن‌کده خویش درآید، نیرو و پادشاهی پذیرد، ریشیون از زیرزمین به فراز زمین آید و بر درختان را رساند. بدین روی در تابستان آب چشمه سرد است، زیرا ریشیون آنجا نیست. در آن هفت ماه که گاه ریشیون را بستانند، تابستان به همه زمین رسد (فرنیغ دادگی، ۱۳۷۸، ص. ۱۰۶).

بنابراین پنج روز آیینی و یک گاهنبار در این ماه وجود دارد که حداقل یکی از آنها با آتشافروزی همراه بوده است. این جشن آتشافروزی در آذر روز (۹) دی ماه زرتشتی برابر با ۱۵ دی ماه تقویم رسمی ایران برگزار می شده است و از میان جشن های این ماه با آیین جل جلانی طامه که در ۱۷ دی برگزار می شود قرابت محتوایی و زمانی بیشتری دارد و ممکن است اساس جشن جل جلانی همین جشن ریشوین باشد. ضمن این که برگزاری پنج روزه گاهنبار در این ایام را نیز نباید از نظر دور داشت و ممکن است آیین سه روزه آتشافروزی جل جلانی در یک روستای کشاورز و دام پرور و در هجوم سرمای شدید زمستان با این گاهنبار نیز مربوط باشد.

اما بیرونی از برگزاری جشنی در شب شانزدهم (روز مهر) دی ماه به نام «درامزینان» یا «کاکتل» سخن به میان می آورد (بیرونی، ۱۳۸۹، ص. ۳۴۵) که برای برگزاری آن اسطوره هایی متعدد نقل کرده اند، از جمله چون ایران از ترکستان جدا شد و گاوهای ربوده شده بازگردانیده شد؛ چون فریدون بعد از پیروزی بر ضحاک گاوهای شخص بخشنده ای به نام «اثقیان» را آزاد کرد و مردم و تهی دستان از عطایای اثقیان بهره مند شدند و این روز را جشن گرفتند؛ چون فریدون این روز از شیر گرفته شد و بر گاوی آسمانی سوار شد که دعای مردم را مستجاب می کرد؛ چون در این روز شبّه گاوی سفید دیده می شود که اگر دو مرتبه صدا برآورد فراوانی خواهد بود و اگر یک مرتبه صدا کند خشک سالی خواهد آمد، در این روز شیر گاو برای تبرک می نوشند. هر کس در چاشت این روز میوه های به و ترنج خورد سال را به خوشی و فراوانی خواهد گذراند. همچنین از قول علمای ایران می گوید در این شب «جم»، «کالیلی» را که بخت بود به صورت انسانی رنگارنگ دید که بر گاو سپیدی سوار بود و آن سوار با مردم سخن می گفت و بخت و اقبال تقسیم می کرد» (همان، ص. ۳۴۶).

آیین جل جلالی طامه نطنز و مقایسه آن با دیگر آیین‌های آتش بُن ایران _____ محمد مشهدی نوش آبادی

اما نکته جالبی درباره اسطوره و آیین‌های این شب از قول شخصی به نام بابلی می‌آورد که شباهت این آیین را با جل جلالی و آیین‌های مشابه نشان می‌دهد. می‌گوید برخی ایرانیان این روز را شوم می‌دانند، چون مرگ جم به دست بیوراسب و چیره گشتن شیاطین بر خانه‌ها و انزال بلا می‌شود، ازین رو «مردم کوشیدند که خود را از شیاطین در امان نگاه دارند. این بود دسته‌هایی از خویشان مأمور ساختند که خداوند را یاد کرده و بر صاحبان خانه‌ها ثنا بخوانند و آن شب را خواب نرفتند از اینجاست که زدن در خانه‌ها و آواز خواندن برای صاحب‌خانه‌ها از آن عهد به یادگار مانده است» (بیرونی، ۱۳۸۹، ص. ۳۴۷، ۳۴۶).

دسته‌هایی که در این آیین به در خانه‌ها رفته و ثنای صاحب‌خانه می‌گفتند و شب بیدار می‌ماندند، شباهتی با آیین جل جلالی دارد. به لحاظ زمانی نیز برگزاری با برگزاری جل جلالی که در ۱۷ دی برگزار می‌شود قرابت زمانی دارد. اسطوره‌هایی هم که مربوط به شب درامزینان است، همه مربوط به برکت و حاصلخیزی و بازگشت برکت و خوش‌اقبال است و با اهداف جل جلالی سازگار است. می‌دانیم که بسیاری از آیین‌های ایرانی به منظور دفع شر انجام می‌شد، مانند آیین «شب یلدا» که برای دفع شر تاریکی است و آیین «سیزده به در» که برای دفع شر از خانه‌هاست، همچنان که جل جلالی نیز برای دفع شر سرما برگزار می‌شود.

۸. کارکردهای آیینی جل جلالی در فصل سرما

برگزاری جل جلالی در نیمه دوم دی‌ماه و اوج سرمای زمستان، به کارکرد فصلی آن مربوط است، زیرا کارکردهای آیین آتش‌افروزی، برگزاری در زمان مناسب را اقتضا می‌کرده است. آیین در آبادی سردسیر برگزار می‌شود و سرما و یخبندان در زمستان‌های آن معمول است. آتش در باور ایرانی دارای نیروی قدسی و درعین حال نماینده

خورشید در روی زمین است و در فصلی که گرمای خورشید رو به افول است، عمل جادوی گرم نگه داشتن زمین، درختان و جلوگیری از یخ زدگی آن را انجام می‌دهد، امری که در راستای کارکرد اصلی ایزد ریشون نیز هست، زیرا وی در فصل زمستان برای گرم نگاه داشتن و جلوگیری از یخ زدن ریشه درختان به زیر زمین می‌رود. براساس سنت‌ها و باروهای مردمان روستا، نور آتش جل جلانی باید به همه باغات بتابد.

اساساً بسیاری از آیین‌های ایرانی در اوج سرما برگزار می‌شود، به این دوره سرما چله بزرگ زمستان گفته می‌شود که از شب یلدا - شب اول دی‌ماه - شروع و به جشن سده در دهم بهمن منتهی می‌شود. حتی آیین هیرومبا نیز پیش‌تر در ۲۵ آذر برگزار می‌شده که به این ایام نزدیک است، درواقع به باور زرتشتیان در این دوره بیش از هر دوره‌ای جهان مورد هجوم اهریمن قرار دارد، زیرا یکی از شرورترین نیروهای اهریمنی سرماست و باید برای یاری به خورشید و گرم نگاه داشتن زمین و گیاه، از جادوی آتش‌افروزی استفاده کرد.

آیین‌گزاران هم‌زمان با آتش‌افروزی سنگی را که ظاهراً نماد میوه است، در گلوگاه شاخه درختان قرار می‌داده و یا از شاخه می‌آویختند، گاهی این سنگ را از زیر برف درمی‌آوردند، شاید بدین منظور که مقاومت آن در زیر برف را متمثل کنند تا درخت نیز یخ نزند (اکبری، ۱۴۰۱). این عمل به قصد ازدیاد محصول درختان است، چنان‌که معتقدند گذاشتن سنگ بر روی گلوگاه درخت باعث سنگینی آن و در نتیجه سنگینی و باردهی درخت در فصل برداشت محصول است (مؤمن‌زاده، ۱۴۰۰). در آیین‌های دیگر ادیان و فرهنگ‌ها نیز سنگ‌ها ارزش دینی دارند و از آن‌ها برای فراوانی محصول استفاده می‌شده است (الیاده، ۱۳۷۲، ص. ۲۲۳). بنابر گزارش انجوی شیرازی و تأیید

آیین جل جلالی طامه نطنز و مقایسه آن با دیگر آیین‌های آتش‌بُن ایران _____ محمد مشهدی نوش آبادی

اکبری پژوهشگر محلی در گذشته سنگ‌هایی را که بر گلوگاه درخت می‌گذاشتند، از گورستان آبادی می‌آوردند، کنشی که با حاصلخیزی و فزونی محصول مربوط است، زیرا در بسیاری از فرهنگ‌ها سنگ مربوط به قبر نیاکان ابزار باروری کشتزار و بارگیری زنان است (همان، ص. ۲۱۷، ۲۱۸). بدین ترتیب مانند بقیه جشن‌های آتش‌افروزی، هدف از برگزاری جل جلالی مقابله با سرما و جلوگیری از سرمازدگی درختان به‌منظور ازدیاد محصول است. طرفه آن‌که در راوند کاشان، شهری در نزدیکی طامه، رسم بوده است که باغبانان و یا کودکان در صبح روز اول اسفندی در حالت سکوت کامل، سنگی بین شاخه‌های درختان می‌گذاشته و باور داشته‌اند که این کار باعث زیاد شدن محصول درختان خواهد شد (انجوی شیرازی، ۱۳۷۹، ص. ۱۵۵).

۹. مشابهت جل جلالی با سده، هیرومبای زرتشتی و رضانی مسلمانان

آیین جل جلالی طامه را که اصل و اساس آن جشن آتش‌افروزی است باید نزدیک آیین هیرومبا یا جشن سده زرتشتی و در فاصله با آیین نیمه ماه رمضان قرار داد، اما این آیین‌ها چه وجوه مشترک و افتراقی دارند؟

از دیرباز آتش در فرهنگ آریایی جایگاهی مقدس داشته و در بین زرتشتیان محوریت آیین دارد و به ایزد آذر مربوط است و باید همیشه در آتشکده‌های زرتشتی آتش فروزان باشد. از جمله اولین وجه مشترک هر سه آیین ایرانی آتش‌افروزی است و زمان برگزاری آن نیز غروب آفتاب زمستان و هنگامی است که خورشید رو به افول است و به قول مری بویس این وجه برای یاری‌رسانی به خورشید جهت گرم کردن زمین در غروب روز سرد زمستانی است. تا حدود نیم‌قرن پیش آتش‌افروزی در آیین نیمه ماه رمضان نیز وجود داشته، اما در دوره متأخر رنگ باخته است، باوجوداین ممکن است هنوز هم نمونه‌هایی از آن در ایران وجود داشته باشد. قطعه شعری که از هور

بابایی برجای مانده مربوط به تقاضای گیاه درمنه است و زرتشتیان نیز همان شعر را برای درخواست هیزم آتش می خوانند.

دومین وجه شبه باور به تأثیر آتش بر تولید و حاصلخیزی مزارع و باغات است، از این روی همان گونه که در جشن سده کشاورزان می کوشیدند مقداری از خاکستر سده را برداشته و به نشانه پایان یافتن سرمای زمستان، این گونه گرما را به کشتزارهای خود بیرند و در کشتزارهای خود پیاشند تا مزارع را برکت دهد (روح الامینی، ۱۳۷۲، ص. ۱۳۶، ۱۳۸) و در شریف آباد نیز آتش بازمانده از هیرومبا را کدبانویان به منازل برده و بر آن بوی خوش افزوده و در همه خانه می چرخانند تا خیر و برکت در خانمان افزون شود (نیکنام، ۱۳۸۲، ص. ۹۸)، در جل جلانی نیز باید نور آتش به باغات تابیده، آن ها را گرم کند تا محصول بیشتر بدهد و از آسیب سرما بدان جلوگیری کند. استفاده از عبارت مشترک «أرخالقی ختایی بیوش بیا نجایی» در آیین رضانی و جل جلانی که به سرما اشاره دارد نشان می دهد آیین رضانی پیش از دگردیسی در فصل سرما برگزار می شده است.

وجه سوم مقایسه خوردنی هایی است که در چهار آیین بین آیین گزاران تقسیم می شود، همچنان که بیرونی می نویسد «در جشن سده و آتش ها زنند و بگوز [جوز] و بادام و گرد برگرد آن شراب خورند و لهو شادی کنند» (بیرونی، ۱۳۵۳، ص. ۲۵۷) و امروزه نیز در کرمان خوردن آجیل مرسوم است. در هیرومبا نیز کدبانوی خانه بشقابی از آجیل شامل نخودچی و کشمش، پسته، مغز بادام و مانند آن را به گروه دهد. در جل جلانی نیز همین رسم هست و محصولات خشکبار، میوه و آجیل به گروه می دهند. در آیین نیمه ماه رمضان نیز در برخی مناطق هدیه خوراکی و خشکبار و شیرینی دریافت می شود، اما امروزه در برخی مناطق وجه نقد به شرکت کنندگان می دهند.

آیین جلِ جَلانی طامه نطنز و مقایسه آن با دیگر آیین‌های آتش بُن ایران _____ محمد مشهدی نوش آبادی

کاربرد شعر با مضامین مشترک از وجوه دیگر شباهت هر این آیین‌هاست، اشعار جلِ جَلانی از یک طرف شباهت زیادی با اشعار جشن سده و هیرومبای زرتشتی و از طرفی با اشعار آیین نیمه ماه رمضان دارد، گرچه از بقیه مفصل‌تر است. در همه گرفتن هدیه برکت بخش موضوعیت دارد و در آن بر عنصر تولید، ازدیاد برکت و محصول تأکید شده است. این عناصر محتوایی عبارت‌اند از دعا برای صاحب‌خانه، توجه به نمادها و عناصر کشاورزی، زایش نوزاد انسان و حیوان تولید و حاصلخیزی، درخواست خوراکی برکت بخش از صاحب‌خانه.

طرفه آن‌که برخی از اشعاری که در آیین نیمه ماه رمضان تکرار می‌شود، همان اشعار جلِ جَلانی خوانده می‌شود، مانند «آقا / خانم ... (نام صاحب‌خانه) شما یید از باغ گل در آید/ قبا بپوشید نچایید / (آرخالق ختایی / بپوش بیا نچایی)»، یا شعر «تباکور و گل نم کن / آتش به سرش کم کن / تا ما بکشیم دودی / روانه شویم زودی» که عیناً در اشعار آیین‌های ماه رمضان منطقه کاشان و نطنز مشاهده می‌شود (نک. مشهدی نوش آبادی، ۱۳۹۸، ص. ۵؛ وکیلان، ۱۳۷۰، ص. ۲۰۸). طرفه‌تر آن‌که یک شعر در برخی آیین‌های نیمه ماه رمضان خوانده می‌شده که تقریباً همان شعر هیرومباست، چنان‌که در هیرومبا می‌خوانند: «شاخ، شاخ هرمنی (درمنه) / هر کس بدهد خدا مرادش بدهد»، در هوم بابایی ماه رمضان نیز می‌خوانده‌اند: «این شاخ شاخ درمنه / کُنده به شاخ درمنه، هر که این را بده / علی نجاتش بده» (وکیلان، ۱۳۷۰، ص. ۲۰۴).

عنصر برکت‌بخشی و تولید از دیگر وجوه مشترک آیین‌هاست. دادن شربت به کسی که تازه ازدواج کرده در جلِ جَلانی مشابه رسم هیرومبای زرتشتی است که طی آن صاحب‌خانه تازه‌داماد به جمعیت شربت و شیرینی می‌دهد. در اشعار آیین نیمه ماه

رمضان نیز توجه به نوزاد و ازدواج وجود داشته و شعر نیز در خطاب به یکی از نوزادان یا کودکان خانه خوانده می‌شود.

ششمین وجه مقایسه رده سنی در برگزارکنندگان است، گرچه در سده، هیرومبا و جل جلالی مردان از تمام رده‌های سنی در این جشن حضور دارند که نشانه اهمیت این آیین‌ها نزد توده مردم است، اما در آیین نیمه ماه رمضان عموماً کودکان برگزارکننده اصلی هستند. همراه بردن الاغ در گروه جل جلالی از وجوه مشابهت آن با آیین رضانی است، گرچه گویا الاغ در اصل برای حمل دهش‌های مردم به کار می‌رفته، اما گاهی دست‌مایه طنز نیز بوده و اشعاری چند در آیین‌های رضانی برجای مانده که به الاغ اشاره دارد (وکیلان، ۱۳۷۰، ص. ۲۱۰، ۲۱۱). نکته جالب این‌که برای تهیه آتش هیرومبا نیز هیزم‌ها را عروس و داماد بار الاغ کرده و از بیابان‌های اطراف پیر هریشت به داخل شریف‌آباد می‌آورند.

از مشابهت‌های دیگر آیین جل جلالی با هیرومبا و آیین ماه رمضان این است که هردو در سه شب برگزار می‌شود، همچنان که در کرمان عده‌ای از زرتشتیان سه روز در مکان برگزاری جشن سده حاضر می‌شدند و به شادکامی می‌پرداختند، یک روز برای پیش‌باز سده و روز پس از سده هم به‌عنوان بدرقه (پورداوود و همکاران، ۱۳۲۴، ص. ۱۷). غیر از این‌که خود عدد سه ممکن است نشانی از کمال آیین‌گزاری باشد، احتمال تأثیرپذیری این آیین‌ها از جشن‌های چندروزه گاهنباری که به دلیل مشکلات تقویمی در دوره ساسانی از جشنی یک‌روزه به چندروزه تبدیل شده بود (بویس، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۶)، نیز هست.

با این اوصاف آیین جل جلالی از یک‌جهت با سه آیین‌های دیگر تفاوت دارد و آن توجه ویژه آیین‌گزاران به درخت است، زیرا هم باید آتش را به منظر درخت رساند و

آیین جل جلالی طامه نطنز و مقایسه آن با دیگر آیین‌های آتش بن ایران _____ محمد مشهدی نوش آبادی

هم بر روی درخت سنگ نهاد. منطق هردو کنش جلوگیری از سرمازدگی درخت و ازدیاد محصول است که در راستای اهداف دیگر آیین‌هاست. از طرفی کم‌رنگ شدن این دو کنش آیینی در جل جلالی، این فرض را قوت می‌بخشد که در آیین‌های مورد اشاره دیگر نیز کنش‌های مشابهی وجود داشته، اما به مرور زمان رنگ باخته است.

۱۰. نتیجه

برگزاری در تقویم خورشیدی، افروختن آتش و باور به تأثیر آن بر محصول کشاورزی، پرسه در کوچه‌ها و خواندن اشعار برکت بخش در مقابل خانه‌ها و دریافت هدیه از وجوه مشترک آیین جل جلالی با آیین‌های آتش‌افروزی زرتشتی هیرومبا و سده است. همچنین مقایسه این آیین با آیین رضانی نیز نشان می‌دهد مسیری را که آیین رضانی از سمت آیین‌های ایرانی به‌جانب آیین‌های اسلامی طی کرده است جل جلالی نپیموده است. با وجود این گرچه آیین رضانی با گذشت اعصار، زیر تأثیر دین اسلام تغییر تقویمی و تا حدودی محتوایی داده، اما ساختار، شیوه برگزاری و محتوای اشعار آن تا حدود زیادی مشابه جل جلالی و متناسب با فصل سرماست. به بیان دیگر آیین رضانی صورتی از جل جلالی و دیگر آیین‌های آتش بن ایرانی است. از این‌روست که دیگر آبادی‌های نطنز که در آن آیین رضانی برگزار می‌شود، جل جلالی ندارند و بالعکس در طامه، خبری از آیین رضانی نیست.

با توجه به برگزاری آیین‌های متعدد ایران باستان در دی‌ماه، جل جلالی باید بازمانده یکی از این آیین‌ها باشد، این آیین به لحاظ زمانی و شکلی با جشن شب شانزدهم (مهر روز) دی‌ماه که بیرونی با نام «درامزینان» یا «کاکتل» از آن یاد کرده و همچنین با آیین آتش‌افروزی ریثون در نهم (آذر روز) دی‌ماه که در بندهش آمده نزدیک‌تر است. دورافتادگی روستایی سرد در کوهستان کرکس و باور به اهمیت آیین برای حاصلخیزی

و جلوگیری از یخ زدن درختان و جدیت مردم روستا در حفظ میراث باستانی، آیینی ایرانی را به صورتی اصیل در میان آنان باقی نگاه داشته است، بدون تأثیر از دین جدیدی که بیش از هزار سال است لوازم آن را پذیرفته‌اند. با این اوصاف لازم است از جل جلالی به‌عنوان آیین ایرانی منحصر به فرد مراقبت شود تا دستخوش فراموشی و تغییر نگردد، زیرا نشانه‌هایی از احتمال تغییر عناصر اساسی آیین در آینده وجود دارد، چنان‌که امروزه آتش‌افروزی بالای کوه، در داخل بافت انجام می‌شود و آیین‌گزاران، دیگر سنگ بر گلوگاه درختان نمی‌گذرانند.

پی‌نوشت‌ها

۱. نگارنده برای بررسی و مشاهده آیین جل جلالی سفری در هجدهم دی‌ماه ۱۴۰۰ به این آبادی داشته است.
۲. Dize = الاغ خسته و به ستوه آمده که به صاحب خود لج می‌کند.
۳. Kandule = ظروف سفالی ضرب دیده و شکسته.
۴. این صورت کاملی از اشعار است که براساس گزارش‌های نوشته‌شده منابع سه‌گانه معرفی شده و تحقیقات میدانی نگارنده انتخاب شده است.
۵. مویز سیاه را جمع کن و بیار/ زودی بیار می‌خواهیم راه بیفتیم.
۶. چم چیده به معنای چشم چیده است، بنابر نظر انجوی شیرازی وقتی صاحب‌خانه چیزی داد کمی پس می‌گیرد تا چشم نخورد (انجوی شیرازی، ۱۳۷۹، ج. ۱/ ص. ۹۲).
۷. از جمله این هجویات که به زبان محلی است: «پُل سیاه، پُلتن سیاه/ هرچی بزینی کوتره سیاه». پل و پلتن به معنای آبشار بلند و کوتاه در جوی‌های شیب‌دار کشاورزی است، معنای مصراع دوم نیز می‌شود: هر چه بزایی توله‌سگ سیاه باشد! (همان، ۱۳۷۹، ج. ۱/ ص. ۹۲).
۸. به‌نقل از ابراهیم شکورزاده، عقایده، رسوم مردم خراسان، ص. ۱۱۸.
۹. درواقع به گیاه بیابانی درمنه اشاره دارد که برای سوخت آتش از آن استفاده می‌شده است.
۱۰. مسیر زندگی تان باز باشد! با اسب زین زرین بتازید! گندم به انبار شما و ما باشد! گندم و پنبه و روناس و جو.

آیین جل جلالی طامه نطنز و مقایسه آن با دیگر آیین‌های آتش‌بُن ایران _____ محمد مشهدی نوش آبادی

منابع

- اعظم واقفی، س.ح. (۱۳۸۴). میراث فرهنگی نطنز. ج ۳. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- اعظم واقفی، س.ح. (۱۳۸۶). میراث فرهنگی نطنز. ج ۴. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- اکبری طامه، م. (۱۳۹۶). تاریخ و فرهنگ زندگی اجتماعی مردم طامه نطنز. تهران: کانیا.
- انجوی شیرازی، ا. (۱۳۷۹). جشن‌ها و آداب و معتقدات زمستانی (گردآوری و تألیف). ج ۱. تهران: امیرکبیر.
- الیاده، م. (۱۹۴۸). رساله در تاریخ ادیان. ترجمه ج. ستاری (۱۳۷۲). تهران: سروش.
- بویس، م. (۱۹۶۸). ریپتوین، نوروز و جشن سده. ترجمه ج.ر. نیک‌روش (۱۳۹۳). بهارستان ایران، ۲، ۱۷ - ۳۰.
- بویس، م. (۱۹۸۳). زرتشتیان؛ باورها و آداب دینی آن‌ها. ترجمه ع. بهرامی (۱۳۸۹). تهران: ققنوس.
- بهار، م. (۱۳۷۶). جستاری چند در فرهنگ ایران. تهران: آگه.
- بیرونی، ا. م. (۱۳۸۹). آثارالباقیه. ترجمه ا. داناسرشت. تهران: امیرکبیر.
- بیرونی، ا. م. (۱۳۵۳). التفهیم. تصحیح و تعلیق ج. همایی. تهران: انجمن آثار ملی.
- درگاه مرکز آمار ایران (www.amar.org.ir).
- دهخدا، ع.ا. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
- رضی، ه. (۱۳۸۰). پژوهشی در گاه‌شماری و جشن‌های ایران باستان. تهران: بهجت.
- روح‌الامینی، م. (۱۳۸۳). آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران امروز. تهران: آگه.
- جعفری (قنواتی)، م. (۱۳۹۶). رمضان. دانشنامه فرهنگ مردم ایران. ج ۴. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- عمید، ح. (۱۳۶۰). فرهنگ عمید. ج ۱. تهران: امیرکبیر.
- فرنبرگ دادگی (۱۳۷۸). بندهش. گزارش م. بهار. تهران: توس.

دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه _____ سال ۱۰، شماره ۴۷، آذر و دی ۱۴۰۱

مزدپور، ک. (۱۳۸۳). تداوم آداب کهن در رسم‌های معاصر زرتشتیان در ایران. فرهنگ، ۴۹ و ۵۰، ۱۴۷ - ۱۷۹.

مشهدی نوش‌آبادی، م. (۱۳۹۸). آیین هوربابا، بازمانده جشن‌های کهن هیرومبا و سده در میان

ایرانیان مسلمان. فرهنگ و ادبیات عامه، ۳۰، ۱-۲۵.

معین، م. (۱۳۸۸). فرهنگ فارسی. ج ۱. تهران: امیرکبیر.

میرنیا، ع. (۱۳۷۸). فرهنگ مردم (فولکلور ایران). تهران: پارسا.

نیکنام، ک. (۱۳۸۲). از نوروز تا نوروز. تهران: فروهر.

وکیلان، ا. (۱۳۷۰). رمضان در فرهنگ مردم. تهران: سروش.

مصاحبه‌شوندگان

اکبری طامه، م. (۱۴۰۱). متولد ۱۳۳۵. اهل طامه. ساکن تهران. نظامی بازنشسته. (تحصیلات:

کارشناسی). مصاحبه تلفنی، تاریخ ۱۴۰۱/۰۳/۳۱.

سقای، ح. (۱۴۰۱). متولد ۱۳۵۱. اهل نوش‌آباد. ساکن روستای اصفاک بشرویه. فعال

گردشگری. (تحصیلات: کارشناسی). مصاحبه تلفنی، تاریخ ۱۴۰۱/۱۱/۲.

مؤمن‌زاده، ا. (۱۴۰۰). متولد ۱۳۰۹. اهل طامه. کشاورز. (بی‌سواد). مصاحبه در طامه نطنز.

تاریخ ۱۴۰۰/۹/۱۸.

References

Akbari Tameh, M. (2016). *History and culture of social life of Tame Natanz people*. Kanyar.

Anjoy Shirazi, A. (2000). *Winter celebrations and customs and beliefs, (compiled and authored)*, vol. 1. Amirkabir.

Azam Waqfi, S.H. (2005). *Cultural heritage of Natanz*. C. 3. Association of Cultural Artifacts and Honors.

Azam Waqfi, S.H. (2007). *Cultural heritage of Natanz*. C. 4. Tehran: Association of Cultural Artifacts and Honors.

Bahar, M. (1997). *Some research in Iranian culture*. Amir Kabir.

Baruni, A. M. (1974). *Al-Tafhim* (edited by Jalaluddin Homai). Association of National Artifacts.

- Boyce, M. (1968). Repithvin, Nowruz and the celebration of the century (translated into Farsi by Hamidreza Nikrosh, 2013). *Baharestan of Iran*, 2, 17-30.
- Boyce, M. (1983). *Zoroastrians; Their religious beliefs and customs* (translated into Farsi by Askar Bahrami, 2011). Phoenix.
- Dehkhoda, A. A. (1998). *Dehkhoda Dictionary*. University of Tehran.
- Eliade, M. (1948). *A treatise on the history of religions* (translated into Farsi by Jalal Sattari, 1993). Soroush.
- Fernbag, D. (1999). *His servant: a report by Mehrdad Bahar*. Tos.
- Jafari Qanvati, M. (2016). *Ramadan: Encyclopedia of the culture of Iranian people*. The Center of the Great Islamic Encyclopedia.
- Mashadi Noushabadi, M. (2018). Ayin Horbaba, a survivor of ancient Hirumba and Sedeh celebrations among Muslim Iranians. *Popular Culture and Literature*, 30, 1-25
- Mazdapour, K. (2004). Continuity of ancient customs in contemporary customs of Zoroastrians in Iran. *Culture*, 49 and 50, 179-147.
- Mirnia, A. (1999). *People's culture (Iranian folklore)*. Parsa.
- Moin, M. (2009). *Farsi Dictionary, vol. 1*. Amirkabir.
- Niknam, K. (2003). *From Nowruz to Nowruz*. Forohar.
- Omid, H. (1981). *Farhang Omid*. Amirkabir.
- Pordawood, A., et al. (1945). *Sadeh*. Iranian Studies Association, No. 2. Portal of Iran Statistics Center (www.amar.org.ir).
- Razi, H. (2001). *A research on the chronology and celebrations of ancient Iran*. Behjat.
- Rouhl Amini, M. (2004). *Ancient rituals and celebrations in Iran today*. Aqah.
- Vakilian, A. (1991). *Ramadan in people's culture*. Soroush.

Interviewees

- Akbari Tameh, M. (2000). Born in 1956, Ahl Tameh, resident of Tehran, retired military, bachelor of education, telephone interview, date 21/6/2022.
- Momenzadeh, A. (2022). Born in 1930, From Tameh, farmer, (illiterate) interviewed in Tameh, Natanz, dated 8/1/2022.
- Saqai, H. (2022). Born in 1972, a native of Noushabad, resident of Esfak Beshrouye village, active in tourism, bachelor of education, telephone interview, date 22/1/2023.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی